

# توسعه جهانگردی و میراث فرهنگی

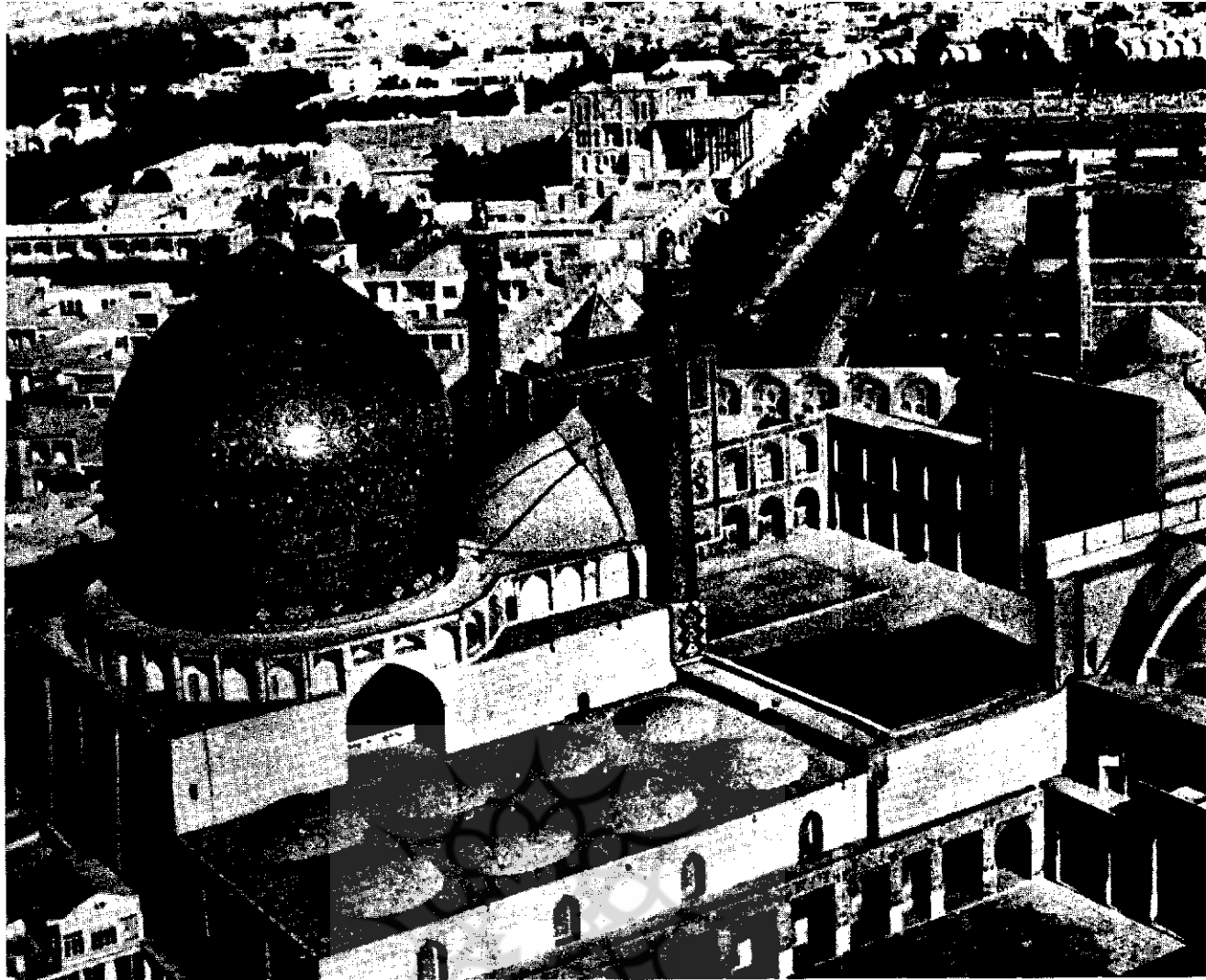
سید علی اصغر شریعت زاده

سیماي مرد خراساني

## شناخت آثار تاریخی و فرهنگی و حفظ و معرفی آنها

آثار فرهنگی - تاریخی منبع عظیمی برای جذب توریست محسوب می‌شود. این آثار از جهات عدیده از جمله قدمت (دوره‌های مختلف تاریخی) کثرت و تنوع (خانه‌های قدیمی، بازارها، تکایا و مساجد، بقاع متبرکه، کاروانسراها، آب انبارها، حمام‌ها، بافت‌های تاریخی، پل‌ها و ...) از موقعیت برجسته‌ای در جهان برخوردار است. تاکنون بیش از هزار اثر ارزشمند فرهنگی - تاریخی در فهرست آثار ملی ایران و سه اثر مهم در فهرست آثار جهانی به ثبت تاریخی رسیده و حداقل ده هزار اثر تاریخی نیز از لحاظ حفاظتی تحت پوشش سازمان میراث فرهنگی کشور قرار گرفته است. لذا در برنامه‌های توسعه صنعت توریسم ضرورت دارد که این آثار فرهنگی - تاریخی، از جهت جاذبه‌هایی که برای





مجموعه تاریخی میدان امام اسفهان

شود و حتی ضرورت دارد با عرضه آثار گوناگون، نسبت به جلب و جذب جهانگرد، به ویژه از کشورهای اسلامی و منطقه، کارها به نحو مطلوب تری انجام شود. طبعاً نگاهی که یک جهانگرد به آثار تاریخی یک کشور دارد، با نگاهی که مردم آن کشور به آثار فرهنگی و تاریخی خود دارند، در مواردی با هم متفاوت است. بنابراین برای رسیدن به جاذبه‌های فرهنگی و پر رنگ کردن آنها، هماهنگی دیدگاه‌های مسئولان میراث فرهنگی و متولیان جهانگردی در نشست‌های ماهانه و سالانه برای تدوین و تطبیق امور ضرورت اساسی دارد. در همین نشست‌هاست که با تبادل نظر، مناطقی که دارای ارزش جهانگردی هستند تعیین می‌شود و تلاش همه جانبه‌ای در چهارچوب ارزش‌های دینی و ملی در راستای برآوردن نیازهای جهانگردان و دلپذیرکردن اوقات اقامت آنها

خبره‌ای که در اختیار دارد، به ویژه مسئولیتی که قانون بر دوشش گذاشته است، وظیفه احراز هویت و شناسایی آثار تاریخی و حفظ و احیاء و معرفی آن را برعهده دارد. لذا دستگاه‌های توریستی و راهنمایان تورها باید از دخالت‌های غیر متعارف در مجموعه‌های تاریخی به ویژه بیان مطالب غیرعلمی راجع به بناهای تاریخی پرهیز کنند. و چنانچه دستگاه‌های توریستی مسیر خاصی را می‌شناسند که برای جهانگردی جاذبه دارد، به سازمان میراث فرهنگی کشور اعلام کنند تا سازمان مذکور با رعایت تمام جوانب امر به آماده سازی و معرفی آنها به دستگاه‌های توریستی اقدام کرده و به علائق جهانگردان تحرک ببخشند.

بدهی است که برای توسعه جهانگردی کشور ضرورت دارد طرحی جامع، در مقیاس کشور و منطقه‌ای تهیه

جهانگردان در جهان دارد، درجه‌بندی و ارزش‌گذاری شده و فهرست دقیقی از این آثار درجه‌بندی شده ارائه شود. ضمن همین درجه‌بندی، ضرورت دارد که تکلیف آثار تاریخی به لحاظ ضوابط حفاظتی تعیین و به مرحله اجرا گذاشته شود تا در معرض آسیب سودجویان واقع نگردد. اقداماتی که بعضی از مراکز به طور غیر مسئولانه و بدون هماهنگی لازم با سازمان‌های مسئول ذریبط در بافت‌های سنتی شهرهای تاریخی صورت می‌دهند از این قبیل است. در نتیجه همین کارهای غیر مسئولانه، بعضی از آثار تاریخی و فرهنگی از مجموعه اطرافشان جدا می‌شوند و یک بنای تاریخی، بدون ضامنم و تأسیسات جنبی آن که زمانی با هم زندگی و کارکرد مشترکی داشتند، کارکرد مجموعه‌ای خود را از دست می‌دهد. نکته مهمتر این که سازمان میراث فرهنگی کشور به پشتوانه کارشناسان



ستون‌های ضلع غربی  
معبد آناهیتا کنگاور  
پایین: تابلو صور فلکی لاکتی  
با اساسی بروج فلکی

صفحه روبرو:  
بالا: طبقه هم‌کف ساختمان  
موزه ایران باستان - ضلع شرقی سالن  
پایین:  
کتیبه گنج‌نامه

تفاوت پیدا کند. صنعت توریسم جهانی تدریجاً پذیرای این امور خواهد شد که جاذبه‌های فرهنگی و تاریخی تنها در شهرهای اصفهان و شیراز نیست بلکه سایر نقاط ایران نیز گستره‌ای از این جاذبه‌ها در بردارد.

معرفی به موقع آثار تاریخی و انعکاس صحیح آن در سطح جهان، علاوه بر حفظ بنای تاریخی و ارزشمند کردن آن موجب جذب جهانگردانی خواهد شد که مایلند با آثار تاریخی ناشناخته دنیا آشنا شوند.

آموزش در امر جهانگردی به ویژه برای راهنمایان آثار تاریخی بسیار ضرورت دارد. انتخاب لایق‌ترین پرسنل برای این کار و برگزاری دوره‌های مختلف آموزشی برای راهنمایان در سطوح مختلف از جمله همین اقدامات خواهد بود. حتی لازم است دروسی در زمینه‌های مرتبط با جهانگردی و ایرانگردی و در رشته‌های کاردانی موزه‌داری و راهنمایان بناهای تاریخی تدریس شود تا کیفیت خدمات فرهنگی به جهانگردان ارتقاء یابد.

در کشور به عمل می‌آید. به عنوان نمونه کاروانسراهای تاریخی با ضوابط معین، تبدیل به مهمانسرا خواهند شد یا بخشی از بازار سنتی هر شهر که در آن تنوع مشاغل سنتی به چشم می‌خورد، برای بازدید توریست آماده خواهد شد. پاره‌ای از پیشه‌ها و صنایع دستی که در دست فراموشی هستند احیاء خواهند شد، و از حمام‌های قدیمی و خانه‌های سنتی استفاده بهینه به عمل می‌آید؛ مثلاً تبدیل به مهمانسرا، چایخانه، محور تولید و فروش تولیدات فرهنگی و غیره خواهند شد. در بازار، برخی از مغازه‌هایی که هنوز ساختار معماری سنتی خود را حفظ کرده‌اند، تبدیل به محل عرضه سوغاتی‌های شهرهای مختلف خواهند شد.

البته در این تغییر کاربری‌ها و بهره‌برداری‌ها، باید نقش اصلی بنای تاریخی فراموش نشود و تناسبی بین بنا و نحوه بهره‌برداری از آن برقرار شود. این اقدامات موجب خواهند شد تا تصویری که جهانگردان از کشور ما دارند با تصویری که صنعت توریسم جهانی از کشور ما داشت



**توسعه شبکه موزه‌های میراث فرهنگی**  
 موزه‌ها به عنوان بستر تاریخی اندیشه و هنر یکی از کانون‌های معرفی میراث فرهنگی است. موزه‌ها به مثابه یکی از ارکان معرفی هویت دینی و ملی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. امروزه موزه‌ها به صورت یک مجموعه فرهنگی و هنری فعالیت‌های مختلفی را در چهارچوب داخلی خود سامان بخشیده‌اند؛ به نحوی که دیگر محل دائمی حفظ و نمایش اشیاء تلقی نمی‌شوند. در حال حاضر ابعاد فعالیت و عرصه خدمات فرهنگی و هنری موزه‌ها نیز در چهارچوب برنامه توسعه فرهنگی قرار گرفته که بی‌ارتباط با توسعه اقتصادی هم نیست. لذا در برنامه‌ریزی ایجاد و توسعه و تجهیز موزه‌های کشور باید ابعاد علمی، فرهنگی، آموزشی و حتی جنبه‌های تفریحی آن نیز مد نظر قرار گیرد. لازم است به موزه‌ها از بُعد توریسم نگاه شود و جاذبه بازدید (ارزش ایرانگردی و جهانگردی) در کنار سایر معیارهایی از نوع، ارزش دینی و تاریخی نیاز محلی یا

فرهنگی، نفوس و گستره جغرافیایی و نزدیکی به مراکز علمی و فرهنگی، لحاظ گردد تا بازدیدکننده خود را در برابر یک کانون فرهنگی چند منظوره ببیند.

همان‌گونه که می‌دانیم اولین موزه را در سال ۱۲۹۰ ه‍.ق، ناصرالدین شاه در داخل بناهای سلطنتی در یکی از تالارهای وسیع خارجی کاخ گلستان تأسیس کرد. از آن زمان به بعد تاکنون حدود ۱۰۰ باب موزه (۵۰ باب موزه تحت پوشش سازمان میراث فرهنگی کشور و ۵۰ باب موزه تحت پوشش سایر ارگان‌ها) تأسیس شده است. گذشته از شکل و محتوای آنها که در مواردی قابل بحث و امعان نظر است تعداد موزه‌های موجود به نسبت جمعیت شصت میلیونی کشور بسیار ناچیز به نظر ناچیز می‌رسد.

به ویژه در این مقطع زمانی که کوشش‌های جهانی بر این استوار است که هویت فرهنگی کشور ما را در معرض یک آسیب جدی قرار دهند، ایجاد موزه‌ها در زمینه‌های گوناگون (تاریخ، باستان‌شناسی،

هنرهای سنتی، مردم‌شناسی، علوم و فنون، ...) با تکیه به ارزش‌های خودی و تعقیب یک سیاست جامع و اصولی یک امر حیاتی است. مهمتر از همه این که موزه‌های ما باید دارای پیام ویژه‌ای در راستای اشاعه و تحکیم هویت دینی و ملی ما باشند. به این معنا که اگر یکی از اهداف ایجاد موزه را ثبت و ضبط نشانه‌های فرهنگی، اقتصادی و فنی بدانیم، در این صورت باید به شیء موزه‌ای به مثابه نماد انتقال‌دهنده پیام فرهنگی نگاه کنیم، با این معنا که هر شیء در موزه جزئی از مجموعه‌ای است که با کمک ابزار و روش‌های صحیح تبلیغی و فرهنگی پیام ویژه‌ای را به بازدیدکننده انتقال می‌دهد و به ارتقای ارزش‌های میراث فرهنگی در جامعه کمک می‌نماید.

برای حصول به این هدف زمینه‌های ایجاد موزه و نمایشگاه برای مقاصد فرهنگی، حتی از جنبه توریستی آن، وجود دارد. در این راستا نقاط باستانی عمده‌ای از تمدن‌های ایلامی، هخامنشی، ساسانی، اسلامی وجود دارد که هر کدام از آنها می‌تواند به عنوان یک پایگاه علمی و فرهنگی و آموزشی مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال می‌توان موزه‌هایی در این نقاط ایجاد کرد:

- تهه قطریه (تهران) موزه سفال خاکستری
- نیشابور و تنگه چوگان موزه ساسانی
- نپه سلیک (کاشان) موزه تمدن‌های پیش از تاریخ فلات مرکزی
- کنگاور (کرمانشاه) موزه پارسی
- خرم‌آباد (لرستان) موزه مفرغ‌های لرستان
- سیراف (بوشهر) موزه دوران اسلامی
- تهه هگمتانه (همدان) مسوره ادوار تاریخی خصوصاً دی و هخامنشی

**ثبت بناهای برجسته تاریخی در فهرست جهانی**

میراث طبیعی و فرهنگی جهانی، میراث بسیار ارزنده‌ای است که نشان از حرکت فرهنگی بشر در بستر تاریخ برای بهره‌برداری از محیط زیست و حفظ آن دارد که جامعه بین‌المللی برای آنها ارزش استثنایی قائل است. از آن جمله امکنه (ابنیه) و به‌طور کلی نقاطی هستند که به



ثبت جهانی رسیده‌اند و جزء میراث فرهنگی جهان محسوب می‌شوند و طبق «کنوانسیون حمایت از میراث فرهنگی و طبیعی» از حمایت خاصی برخوردار می‌باشند. گذشته از آن که آثار به ثبت رسیده جهانی از طبیعت فرهنگی و تبلیغی برجسته‌ای برخوردارند، فرصت بازدید آن در سطح جهانی نیز باید فراهم آید. در کشور ما تاکنون سه مجموعه بسیار ارزشمند تخت جمشید، مجموعه بناهای تاریخی میدان امام اصفهان و زیگورات چغازنبیل به ثبت جهانی رسیده‌اند؛ شایسته است در زمینه ثبت جهانی چند مجموعه مهم دیگر از جمله سلطانیه، ارگ بم، تخت سلیمان، کتیبه بیستون و حتی چند اثر طبیعی از جمله آبشارهای شوستر نیز اقدام شود.

#### حفظ و احیاء هنرهای سنتی

همانگونه که می‌دانیم بخشی از ارزشهای وارداتی «توریست» صرف تهیه سوغاتی از محل بازدید می‌گردد، گذشته از اهمیت اقتصادی چنین حرکتی توجه به جنبه‌های فرهنگی آن نیز ضرورت ویژه‌ای دارد. به این معنا که توریست این اشیاء را به مثابه

نشانه‌ای فرهنگی و هنری از کشور مورد بازدید به کشور می‌برد.

اگر ما به این سوغاتی‌ها و هدایا به عنوان یک کالای فرهنگی و ناقل فرهنگ نگاه کنیم علاوه بر جنبه‌های بهبود شرایط اقتصادی که برای تولیدکنندگان در بردارد، (ایجاد اشتغال سالم در کشور، عدم مهاجرت روستاییان به شهرها، بهبود صنایع دستی، افزایش صادرات و ...) موجب تبادل فرهنگی نیز می‌شود. متأسفانه در مواردی باید گفت که تلاش عمده دست‌اندرکاران فقط فروش کالا است. بنابراین برای اینکه ترویج و رونق کالای فرهنگی و اقتصادی با ذائقه و فرهنگ ما سازگار باشد قبلاً باید به چند سوال پاسخ بدهیم:

ملیت توریست چیست؟ از چه روحیه و فرهنگ و ذوق و سلیقه‌ای برخوردار است؟ توریست چه اطلاعاتی از صنایع دستی ما دارد؟ آیا ما نیاز توریست‌ها را از نظر اقتصادی و از لحاظ ابعاد و کاربرد آن خوب درک کرده‌ایم؟ آیا رنگ و ترکیب‌بندی رنگ‌ها و حتی نقش و نگارهای اشیاء، برگرفته از تاریخ و فرهنگ ماست؟ آیا برای دوام شیء به مرغوبیت آن هم اندیشیده‌ایم؟

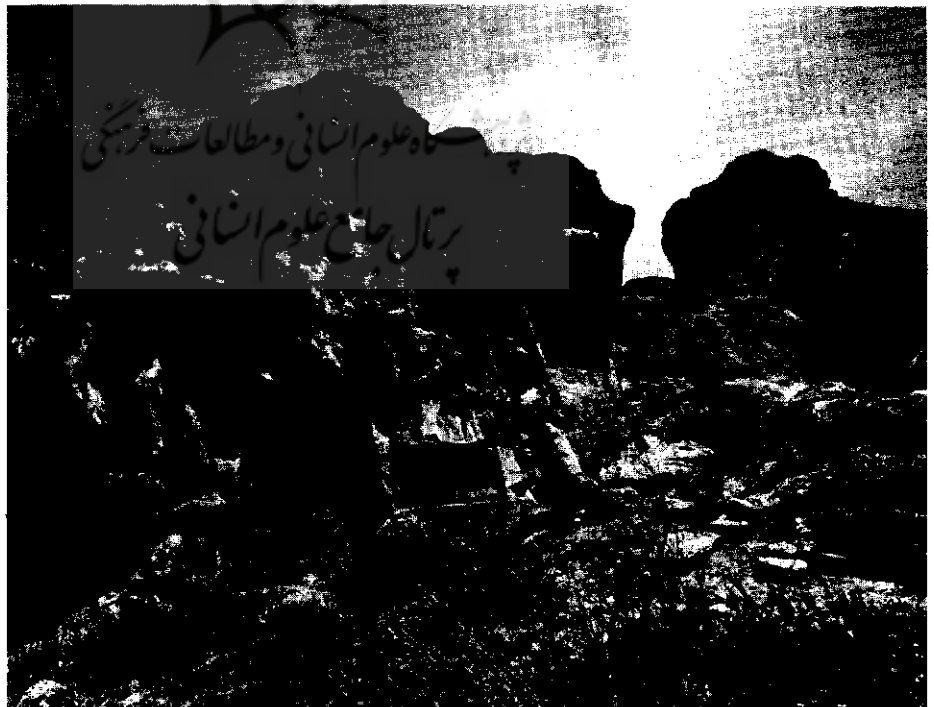
آیا در مبادی ورودی کشور، سفارتخانه‌ها، هتل‌ها و محل‌های تمرکز و بازدید توریست بروشور و راهنمای مناسب عرضه کرده‌ایم؟

پاسخ به این سؤالات و ده‌ها سؤال مشابه را می‌توان با پیروی از اهداف برنامه‌ها و سفارش تولید یا رونق هنرهای سنتی مناسب به مسئولان و مجریان داد. البته هماهنگی بین سازمان‌های میراث فرهنگی و صنایع دستی، شرکت سهامی فرش، معاونت سیاحتی بنیاد مستضعفان و معاونت سیاحتی و زیارتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ضرورت اساسی دارد تا به نوع و شکل سوغات‌ها سر و سامانی بدهند.

#### حفظ نشانه‌های فرهنگ معنوی

همانگونه که می‌دانیم بعضی‌ها میراث فرهنگی را به دو بخش مادی و معنوی تقسیم می‌کنند.

به نظر ما فرهنگ مادی و فرهنگ معنوی را نمی‌توان از هم تفکیک کرد، بلکه باید آن دو را که در حکم واحد است به صورت هم‌زمان و با یک دید در برنامه‌ریزی جهانگردی و توسعه توریسم نگاه کرد. زیرا



دخمه مارها، اسحاق‌وند هرسین

صفحه روبرو:

مست راست: ایبانه کاشان

چپ، بالا:

حضور زنان در کار و فعالیت

راست، پایین:

تمزیه، مغان شاهرود



باشیم. به دنبال سنت‌هایی برویم که خالص‌تر و ماندگارتر و معرف فرهنگ دینی و ملی ما باشند؛ به ویژه آنکه به شکل زنده، مستمر و مردمی در محلی برگزار می‌شود. لذا از موزه‌ای کردن سنت‌ها آن هم به دلیل خوشایند جهانگردان که هیچ‌گونه تعهد و مسئولیتی در برابر فرهنگ ما ندارند به شدت باید پرهیز کنیم.

از طرف دیگر برنامه‌های توریستی را باید طوری طراحی نمود تا جهانگردانی که به کشور ما سفر می‌کنند به ارزش ما و همچنین به سنت‌های ما احترام بگذارند.



بازدیدهای فرهنگی، آگاهی از گذشته و ابعاد آن را ارتقاء دهند و به حفظ ارزش‌ها و اصالت‌ها در چهارچوب تحکیم هویت فرهنگی همت گمارند. نکته دیگر این که مسیرهای توریسم خارجی باید به نحوی انتخاب شوند تا رفت و آمد مستمر توریست، نگرش‌ها و باورهای مردم را تدریجاً تحت تاثیر قرار ندهد و موجب تغییر آنها نگردد. زیرا امکان دارد حضور جهانگرد در محلی، مفاهیم جدیدی راجع به پول، کار و حتی مناسبات و رفتارهای فرهنگی باب کند که اصالت فرهنگی ما را کم رنگ نماید. گاهی اوقات جهانگردان یا شرکت‌های توریستی علاقه‌مند به حفظ و رونق معجونی از سنت‌های غریب و غیر متعارف یا به زبان دیگری رنگارنگ هستند. ما باید در این زمینه معیار اصولی در انتخاب آداب و رسوم و بهره‌برداری از آن در دست داشته

به نظر ما روح کالبد فرهنگ مادی، فرهنگ معنوی است، بنابراین در حفظ و احیای فرهنگ معنوی نه تنها باید به ضبط آداب و رسوم و زبان‌های میرا و تهیه فیلم‌های مستند از دانش سنتی و مراسم و ... توجه اساسی بکنیم، بلکه باید به شکوفایی و نوسازی آنان و به طور کلی به خلاقیت‌های انسانی که در این مقوله جریان دارد توجه جدی و همه جانبه‌ای داشته باشیم. مهم‌تر از همه آنکه سازشناسان و مسئولان برنامه‌ریزی و اجرایی توریسم باید علاوه بر آشنائی دقیق با کل فرهنگ خودی، به دقایق و ظرایف و اهمیت کاربرد فرهنگ معنوی بیش از پیش آشنا و علاقه‌مند و دلبسته باشند. در این زمینه مسئولان باید با ایجاد مرکز اسناد و مدارک، تشویق احیای زبان‌های میرا، برگزاری سمینارهای علمی و برپایی نمایشگاه‌های فرهنگی، تشکیل میزگردها و ترتیب مصاحبه‌ها و دید و